



تحلیل زبان بدن در متن نهج‌البلاغه بر اساس نظریه «پُل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ- رمزگذاری- کاربرد»

محمدنبی احمدی *

(نویسنده مسئول)

دانشیار گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Email: Mn.ahmadi217@yahoo.com



زهرا جلیلیان **

دانشجو گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Email: z.jalili1988@gmail.com



چکیده

نشانه‌های مورد استفاده ارتباطات مطمئناً محدود به زبان (زبان‌شناسی) نمی‌شود. بسیاری از مفاهیم به صورت غیرکلامی بیان می‌شوند. ارتباط غیرکلامی از حوزه‌های مطالعاتی جدید است که به بررسی و تجزیه و تحلیل پیام‌هایی می‌پردازد که افراد با رفتارهای غیرزبانی مانند: حالات چهره، تماس چشمی و ژست‌ها پیام را منتقل و به درک خواننده از متن کمک می‌کنند. «پُل اکمن» و «الس فریسن» تحقیقاتی گسترده را در زمینه فعالیت‌های غیرکلامی انجام داده‌اند که هدف آنان، شناخت بهتر احساسات و رفتار افراد می‌باشد. آنان فعالیت‌های غیرکلامی را به سه طریق تحلیل کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. منشأ ۲. رمزگذاری ۳. کاربرد. منشأ؛ منبع هر عملی است که می‌تواند (ذاتی، ثابت‌گونه و آموزش فرهنگی) باشد. رمزگذاری؛ رابطه عمل با معنی آن است که می‌تواند (قراردادی، تصویری و غریزی) باشد. کاربرد؛ شامل میزان اطلاع‌رسانی رفتار غیرکلامی است که می‌تواند (ارتباطی، تعاملی و اطلاعاتی) باشد. این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی بر اساس رویکردهای ذکر شده از «اکمن» و «فریسن» زبان بدن در نهج‌البلاغه را، اعم از؛ چهره، چشم، دست و حالت‌های لامسه، توصیف و مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصله از تحلیل نمودن نمونه‌های زبان بدن موجود در نهج‌البلاغه با نظریه «اکمن» و «فریسن»، نشان می‌دهد که ظرفیت نهج‌البلاغه چنان گنجایش دارد که می‌توان آن را با نظریه‌های نوین ارتباطات غیرکلامی مورد تحلیل و بررسی قرار داد و منشأ «زبان چهره»، که از بسامدی بالا در نهج‌البلاغه برخوردار است، ذاتی است و به صورت غریزی رمزگذاری شده و کاربرد آنها اطلاعاتی است.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

نهج‌البلاغه، زبان بدن، والس فریسن و پُل اکمن، منشأ، کاربرد، رمزگذاری.

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.326880.863

احمدی، محمدنبی، جلیلیان، زهرا. (۱۴۰۱). حرکت‌شناسی زبان بدن در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه «پُل اکمن و والس فریسن» با سه رویکرد «منشأ- رمزگذاری - کاربرد». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۲ (۱)، ۱-۱۴.
ahmadi, M., jalilian, Z. (2022). Analysis of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory: Source, encryption, and application. Foreign Language Research Journal, 12 (1), 1-14.

*نویسنده بیشتر از ۳۰ مقاله علمی پژوهشی / نویسنده بیشتر از ۵۰ مقاله همایشی بین‌المللی و ملی / مسؤولیت‌های مختلف / عضویت در کارگروه‌های مختلف / تألیف چند کتاب / راهنمایی و مشاوره بیشتر از ۳۰ پایان‌نامه.

**دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب / مترجم رمان النوم فی حقل الکرز / نویسنده یک مقاله علمی پژوهشی / نویسنده چندین مقاله همایشی



Analysis of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory: Source, encryption, and application



Mohamad Nabi Ahmadi*

(corresponding author)

Associate Professor of Arabic Language, university of Razi, Kermanshah, Iran

Email: Mn.ahmadi217@yahoo.com



Zahra Jalilian**

PhD Student of Arabic Language, university of Razi, Kermanshah, Iran

Email: z.jalii1988@gmail.com

ABSTRACT

The signs in communication are not certainly limited to language. Many concepts are expressed non-verbally. Non-verbal communication is a new field of study that examines and analyzes messages in non-verbal behaviors, such as facial expressions, eye contact, and gestures, which people use to convey the message and help the reader understand it. Paul Ackman and Wallace Frieson have conducted extensive research on nonverbal activities aimed at better understanding people's feelings and behaviors. They have analyzed nonverbal activities in three ways: 1. Source 2. Encryption 3. Application. Source is the origin of every action and can be intrinsic, fixed, and of cultural educational nature. Encryption refers to the relation of action to meaning, and it can be conventional, visual, and instinctive. Application includes the amount of informational nonverbal behavior that can be communicative, interactive, and informational. This research is a descriptive-analytical method based on the approaches mentioned by Ackman and Frieson about body language in Nahj al-Balaghah through which facial expressions, movements of eyes and hands, and tactile gestures are examined and described. The results of analyzing examples of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory show that Nahj al-Balaghah has such a high capacity in terms of body language that it can be analyzed through new theories of non-verbal communication and the origin of "face language", having a high frequency in Nahj al-Balaghah, being inherently and instinctively encoded, and used for informative purposes.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.326880.863

ARTICLE INFO

Article history:

Received: July 13, 2021

Accepted: September 25, 2021

Available online:
Spring2022

Keywords:

application, encryption, body language, Nahj al-Balaghah, source

ahmadi, M., jalilian, Z. (2022). Analysis of body language used in Nahj al-Balaghah based on Ackman and Frieson's theory: Source, encryption, and application. Foreign Language Research Journal, 12 (1), 1-14.

* Author of more than 30 scientific research articles / Author of more than 50 international and national conference papers / Different responsibilities / Membership in various working groups / Author of several books / Guidance and advice of more than 30 dissertations.

** PhD Student in Arabic Language and Literature / Translator of the novel Al-Nom Fi Haql Al-Karz / Author of a Scientific Research Article / Author of Several Conference Papers

سالهای پایانی قرن بیستم، شاهد ظهور نوعی جدید از دانشمندان اجتماعی یعنی متخصصین رفتارهای غیرکلامی بود. تا آنجا که به مطالعه علمی زبان مربوط می‌شود، می‌توان گفت که مهم‌ترین کار انجام شده قبل از قرن بیستم، کتاب «بیان احساسات در انسان و حیوان» اثر چارلز داروین در سال (۱۸۷۲) بوده است. این آغاز مطالعات حالات چهره و زبان بدن بود.

بسیاری از پژوهشگران بر آن بوده‌اند که با روش‌های پژوهشی خویش بتوانند حجم مؤثر رفتارهای غیرکلامی را در روابط بین فردی و اجتماعی مشخص کنند. بسیاری از آنان توفیق یافته‌اند که میزان نسبی رفتارهای غیرکلامی را در مقابل رفتارهای کلامی تخمین بزنند. یکی از پیشتاژان و پیشروان مطالعات غیر کلامی، بیردویسل (Birdwhistell) مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود، ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیرکلامی است. (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۷۲).

زبان بدن نه تنها احساسات و عواطف ما را نشان می‌دهد؛ بلکه به دیگران اعلام می‌کند که چگونه می‌توانند با ما کنار بیایند و رابطه برقرار کنند. ما خود شاید نتوانیم خیلی از حرف‌ها را به دیگران بیان کنیم، ولی با زبان بدن می‌توانیم ناگفته‌ها و احساسات را به دیگران به‌طور غیرمستقیم انتقال دهیم. (ودایع، ۱۳۹۹: ۲۲). اکمن یک دانشمند در زمینه زبان بدن، روان‌شناسی و انسان‌شناسی است. بر اساس نظریه وی، رفتارهای ناخودآگاه مغز بر حالت‌های غیر ارادی تأثیر می‌گذارند. از جمله کارهای بزرگ اکمن، تلاش برای تحلیل و ارزیابی فراگیر بودن علائم زبان بدن است. وی به همراه فریسن، طی سالیان متمادی با متمرکز کردن تحقیقاتشان بر دست و صورت، الگویی کلی پیشنهاد کردند و فعالیت‌های غیرکلامی را به سه طریق تحلیل کردند که عبارت‌اند از؛ منشأ، رمزگذاری، و کاربرد. پژوهش پیش‌رو تلاش می‌کند که نشانه‌های زبان بدن مخصوصاً چهره و دست و اندام، را طبق نظریه اکمن و فریسن، در کتاب نهج‌البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا مشخص گردد که می‌توان متن

این کتاب با نظریه‌های نوین زبان‌شناسی تحلیل و تفسیر نمود و در کنار عناصر ارتباطی کلامی به شکل‌دهی مضمون می‌انجامد. پایان‌نامه‌ای توسط مهسا عبد علی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی زبان بدن در نهج‌البلاغه» در دانشگاه کاشان، به رشته تحریر درآمده است و نیز کتابی نوشته محمود میرزایی الحسینی و زینب فتاحی (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی بافت‌مدارانه دلالت ضمنی اندام‌واژه‌ها در نهج‌البلاغه» به معانی ضمنی اندام‌های بیرونی و اندام‌های درونی در نهج‌البلاغه پرداخته است؛ اما این پژوهش بر اساس نظریه نوین زبان‌شناسی اکمن و فریسن زبان بدن را با نگاه به رویکردهای منشأ، رمزگذاری و کاربرد، مورد تحلیل قرار داده است. بر همین اساس، پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: آیا متن نهج‌البلاغه را می‌توان با نظریه‌های زبان بدن تحلیل و تفسیر نمود؟ آیا آشنایی با این رویکرد از زبان‌شناسی می‌تواند به درک ابعاد نهفته زبان منتهی شود؟ طبق نظریه اکمن و فریسن پربسامدترین رویکرد در زبان بدن در نهج‌البلاغه کدام است؟ دستاورد این پژوهش می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران عرصه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و علوم ارتباطات قرار گیرد و منجر به آگاهی بیشتر این پژوهشگران از علوم نوین نشانه‌شناسی و زبان بدن در نهج‌البلاغه بر اساس نظریه اکمن و فریسن گردد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که نهج‌البلاغه از چنان ژرفی برخوردار است که می‌توان متن آن را با علوم نوین نشانه‌شناسی به‌ویژه نشانه‌های غیرکلامی، تحلیل نمود. به بیان دیگر نویسنده آن با به‌کارگیری نشانه‌های غیرکلامی (زبان بدن) سعی در اثربخشی بیشتر مفاهیم و معانی خود بر مخاطب داشته است. در ادبیات معاصر عرب نیز آثاری وجود دارند که از این تکنیک (ارتباط غیرکلامی) برای تأثیرگذاری بیشتر و نیز ملموس کردن داستان، بهره برده‌اند. رمان «النوم فی حقل الکرز» اثر أزهر جرجیس نامزد جایزه بوکر در سال ۲۰۲۰ میلادی از زبان بدن که یک نوع ارتباط غیرکلامی است به‌وفور بهره برده است. به‌طوری‌که نشانه‌های زبان بدن اعم از زبان چهره، زبان چشم، زبان دست، زبان پا، زبان گریه، زبان خنده و حالات لامسه در این رمان معاصر به چشم می‌خورد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره ارتباطات غیرکلامی می‌توان به چندین مقاله اشاره کرد از جمله: زهرا محققیان و اعظم پرچم (۱۳۹۴) ارتباطات غیرکلامی در آیات قرآن کریم را نشانه‌شناسی کرده‌اند و پیام‌هایی که خداوند از طریق عناصر غیرکلامی به انسان منتقل نموده را رمزگشایی نموده‌اند. سهراب مروّتی، یارمحمد قاسمی، نرگس شکرپیگی و فرشته دارابی (۱۳۹۲) که به واکاوی نقش و جایگاه ارتباطات غیرکلامی در پرتو آموزه‌های دینی پرداخته‌اند. محمد رضا پهلوان نژاد (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی ارتباطات غیرکلامی و نقش حرکات بدنی در برقراری ارتباط در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی پرداخته است. سمیه حاجتی و احمد رضی (۱۳۹۰) داستان روی ماه خداوند را ببوس را بر اساس نظریه اکمن و فریسن در طبقه‌بندی و تحلیل رفتارها در سه حوزه منشأ، رمزگذاری و کاربرد مورد بررسی قرار داده‌اند. در زبان عربی نیز در زمینه زبان بدن، پژوهش‌هایی صورت گرفته از جمله: محمد شریف شیخ صالح الخطیب (۲۰۰۶م) و أساء جمیل عبد الغنی (۲۰۱۰م)؛ اما در روش تحلیلی توصیفی و به صورت پیش‌رو با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و به صورت تحلیل محتوا با محور قرار دادن رویکردهای منشأ، رمزگذاری، کاربرد و نوع رفتار و کنش به‌طور جامع مقوله‌های ارتباطات غیرکلامی در نهج البلاغه را بر اساس نظریه «اکمن و فریسن» مورد بررسی و تحلیل قرار داده که تاکنون پژوهشی در این باره انجام نشده است.

۳. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۳. نشانه‌شناسی، پُل اکمن و والس فریسن (منشأ، رمزگذاری، کاربرد و نوع رفتار و کنش)
نشانه‌شناسی یکی از پژوهش‌های میان رشته‌ای است که به بررسی و تحلیل نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آنها می‌پردازد. ارتباط غیرکلامی نیز یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله حالات چهره، حرکات بدن، ژست‌ها و... را در برمی‌گیرد. «علم نشانه‌شناسی، نشانه‌هایی را بررسی می‌کند که هدف از آنها، انتقال پیامی به دیگری است». (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۹). «نشانه‌شناسی به مطالعه روابط دال‌ها و مدلول‌ها می‌پردازد و

دایره و گستره شناخت آن همگی نظام‌های ارتباطی نظیر زبان‌ها، رمزینها و نظام‌های علامتی و... را در برمی‌گیرد». (نبی‌لو، ۱۳۹۰: ۸۲). استفاده از نشانه‌ها و رمزها، به‌عنوان ابزاری نیرومند و مؤثر در تمامی ابعاد زندگی در حال افزایش روزافزون است؛ به‌طوری‌که کاربرد اصلی نشانه‌ها، انتقال معنا از طریق نظام پیام‌ها در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، یکی از پرکاربردترین و مؤثرترین روش‌ها در تحلیل انواع متون، تحلیل نشانه‌شناسی آنهاست. ارتباط غیرکلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است. (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴).

نشانه‌شناسی ساختارگرا در پی کشف نشانه‌های درون متن است و ساختارگرایان، معنا را در روابط میان اجزای متن می‌جویند، آنها با خوانش خلاق در پی یافتن نشانه‌ها هستند، تا به مفهوم متن دست یابند. (خواجوی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). نشانه‌شناسی به مطالعه روابط بین دال و مدلول و کشف روابط بین این دو می‌پردازد. (همان: ۲۱۶).

اصطلاح «ارتباط غیرکلامی» در طیفی وسیع از رویدادها به‌کار برده شده است؛ مانند: هر موضوعی که مربوط به قلمرو حیوانات می‌شود تا مقوله نامه‌های سیاستمداران، از حالت چهره تا انقباض ماهیچه‌ها، از احساسات درونی بیان نشدنی تا آثار تاریخی مشهود، از پیام خبرها تا ترغیب به عمل مشت‌زنی، از رقص و نمایش تا موسیقی و پانتومیم، از جریان احساسات تا جریان عبور و مرور وسایط نقلیه، از ادراکات ماورای حسی تا سیاست‌های اقتصادی تابع قدرت بین‌المللی، از تفریح و سرگرمی و معماری تا تمثیل‌های رایانه‌ای، از بوی گل سرخ تا مزه گوشت، از نمادگرایی فروید تا نشانه‌های نجوم، از معانی و بیان خشونت تا مفاهیم رقص‌ها. (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۵). اشاره‌ها به‌نظر هادسون (۲۰۱۱) شامل اشاره‌های واقعی و یا اشاره استعاری است. مثلاً اشاره انگشت به یک چیز در اطراف و یا اشاره دست به عقب برای اینکه زمان گذشته را نشان دهیم. ضربه از نظر او حرکت بدنی است برای نشان دادن ریتم و تأکید. از نظر ایشان مردم از حرکات بدنی برای سازماندهی معنا و فکر استفاده می‌کنند. ترکیب زبان و حرکات بدنی معنا را مؤثرتر انتقال می‌دهد. گلدین مدوف (۱۹۹۹) معتقد است که حرکات بدنی می‌توانند معرف افکار و احساسات باشند. او

همچنین معتقد است که این حرکات برای فهم گفت‌مان شفاهی بسیار با اهمیت است (رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۵۶). پژوهشگران درباره ماهیت و چگونگی رفتارهای غیرکلامی، نظریه‌های متنوعی را ارائه کرده‌اند. اکمن و فریسن نیز تحقیقات گسترده‌ای را در زمینه فعالیت‌های غیرکلامی انجام داده‌اند. هدف آنان شناخت بهتر احساسات، خلق و خوی شخصیت‌ها و رفتار افراد و همچنین درک بهتر هر گونه تعامل میان اشخاص و آگاهی از ماهیت روابط و کیفیت ارتباط در جریان تعامل بوده است. (Ekman & Friesen, 1972: 353). تحقیقات و مناظرات فراوانی انجام شده است تا کشف کند که آیا نشانه‌های غیرکلامی ذاتی یا اکتسابی هستند. مدارک بدست آمده از مشاهدات افراد نابینا و ناشنوا که نمی‌توانستند نشانه‌های غیرکلامی را از طریق کانال‌های بصری و شنیداری فرا بگیرند و نیز مشاهده ایما و اشاره چندین فرهنگ‌گوناگون جهانی، حاکی از آن است که بعضی اشارات و حرکات در دسته‌های متفاوت قرار می‌گیرند. (پیز، ۱۳۹۶: ۱۷). دانشمند آلمانی ایبل ایسفلدت کشف کرد که لبخند زدن کودکانی که نابینا یا ناشنوا متولد می‌شوند مستقل از یادگیری یا تقلید کردن است که نشان می‌دهد که این ژست‌ها ذاتی هستند. اکمن، فریسن، سورنسون برخی از باورهای داروین در مورد ژست‌های ذاتی را تأیید کردند. هنگامی که آن‌ها در حال مطالعه حالات چهره مردم پنج فرهنگ کاملاً متفاوت بودند، کشف کردند که هر فرهنگ از همان ژست‌های صورت برای نشان دادن احساسات استفاده می‌کند که این موضوع آنها را به این نتیجه رساند که این ژست‌ها باید ذاتی باشند. (پیز، ۱۳۹۶: ۱۸).

اکمن و فریسن، فعالیت‌های غیرکلامی را به سه طریق تحلیل کردند که عبارت‌اند از: ۱. منشأ، ۲. رمزگذاری، ۳. کاربرد. منشأ، منبع هر عمل است. رفتار غیرکلامی، می‌تواند ذاتی (ساخته و پرداخته در سیستم عصبی)، ثابت‌گونه (رفتاری کلی یا جهانی و لازم برای بقا) یا متنوع در فرهنگ‌ها، گروه‌ها و افراد مختلف باشد. مثلاً می‌توان تصور کرد که بالابردن ابروها به علامت تعجب، ذاتی است؛ مشخص کردن قلمرو رفتاری، ثابت‌گونه است؛ و حرکت یا جلو و عقب بردن سر به علامت نفی، ویژگی فرهنگی است. رمزگذاری، رابطه عمل با معنی آن است که به سه

نوع قراردادی، تصویری و غریزی یا درونی تقسیم می‌شود: هر عملی می‌تواند قراردادی باشد؛ یعنی هیچ معنایی در ذات آن نشانه وجود نداشته باشد. مثلاً در فرهنگ ما بنابر عرف، همگی قبول داریم که حرکت دادن سر هنگام شنیدن سخن دیگران، نشان‌دهنده پاسخ مثبت است، در حالی که این رمزگذاری کاملاً قراردادی است. یکی دیگر از نشانه‌های غیرکلامی، تصویری است که نشان‌دهنده شیء مورد نظر باشد، مثلاً برای به تصویر کشیدن آنچه درباره‌اش صحبت می‌کنیم، دست‌هایمان را حرکت می‌دهیم یا تصاویری در هوا ترسیم می‌کنیم. نوع سوم رمزگذاری، غریزی یا درونی است. معانی نشانه‌های این نوع، در خود آنهاست؛ آنها خود جزئی از مقصود یا منظور هستند. مثلاً گریه کردن نوعی از رمزگذاری غریزی است، چون نشانه‌ای از احساس است؛ ولی قسمتی از خود احساس هم هست. سومین راه تجزیه و تحلیل رفتار از طریق کاربرد است. کاربرد شامل میزان اطلاع‌رسانی رفتار غیرکلامی نیز می‌گردد. کنش ارتباطی عمداً برای انتقال معنی به کار می‌رود. کنش تعاملی عملاً بر رفتار سایر شرکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد. کنش اگر عمدی و تأثیرگذار باشد، هم ارتباطی و هم تعاملی است. مثلاً اگر از روی عمد دست خود را برای یک دوست به نشانه سلام و تعارف تکان دهید و او نیز دست خود را تکان دهد، این عمل هم ارتباطی و هم تعاملی است؛ اما رفتار اطلاعاتی رفتارهایی‌اند که منظور ارتباطی ندارند، با این حال اطلاعاتی را به دریافت‌کننده می‌دهند. چنین کنش‌هایی را «خبری» یا «آگاهاننده» می‌نامند. اگر روزی احساس خوبی نداشته باشید، ممکن است برای اجتناب از دیدن یک دوست یا آشنا راه خود را عوض کنید یا در محلی مخفی شوید، اگر شخص مقابل این اجتناب را مشاهده کند، رفتار شما علی‌رغم عدم تمایل به ایجاد ارتباط، آگاهاننده بوده است. (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۹-۱۹۰). لذا، در ادامه حالت‌های زبان بدن در «نهج‌البلاغه» طبق نظریه اکمن و فریسن، بر اساس رویکردهای منشأ، رمزگذاری و کاربرد بررسی خواهد شد:

۲-۳. حالت‌های چهره

چهره نخستین جایگاه نشان‌دهنده وضعیت عاطفی افراد است و در روابط میان فردی و اجتماعی نقشی بسزا را ایفا می‌کند. زیرا می‌توان بازخوردهای شخصی و اجتماعی کلام و پیشامدهای پیرامون را در حالت‌های چهره جستجو کرد.

چهره به عنوان یکی از عناصر برقرارکننده ارتباط به صورت غیرکلامی، دارای اهمیت بسیاری است و چه به صورت تعاملی و چه به صورت اطلاعاتی، در رفتار دریافت کننده پیام، اثرگذار می باشد. چهره آدمی می تواند گویای خصلت های او باشد. از چروک های روی پوست افراد می توان به روحیه خشن یا عصبی، افسرده یا پیری صاحب چهره پی برد. اشکال چهره و پیام های آن ها تنوع بی حد و حصری دارند، عمده ترین بخش های چهره که تحت فرمان مغزند و حالات روحی را انعکاس می دهند فک ها، ابروها و چشم هاینند. گاهی مجموعه چهره با تمام اعضا به صورت هماهنگ پیامی را منتقل می کند. (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸).

نظریه پردازان معتقدند حالات چهره بعد از زبان، مهم ترین منبع اطلاعاتی است. (هارجی، ۱۳۷۷: ۶۳). امیر مؤمنان (ع) حالات چهره را، راهی برای درون کاوی افراد می شمارد؛ چنان که می فرماید: «هیچ کس چیزی را در دل پنهان نمی کند، جز آن که در سخنان بی اندیشه و در صفحه رخسارش پدیدار می گردد». (حکمت/۲۶).

احساسات اساساً در چهره بروز پیدا می کنند، نه در بدن. در مقابل بدن نشان می دهد که مردم چگونه بر احساسات خود، چیره می شوند. هیچ حرکت خاصی در بدن نیست که همیشه علامت خشم یا ترس باشد، ولی الگوی خاصی در چهره وجود دارد که چنین احساساتی را به خوبی نشان می دهد. همان طور وقتی شخصی خشمگین است، شاید حرکات بدنش نشان دهد که چگونه سعی دارد بر احساس خشم خود چیره شود. ممکن است عصبی و تحت فشار باشد (انقباض شدید عضلانی در دست ها و پاها، ایستادن سخت و سفت)، شاید روی برگرداند (نوعی وضعیت عقب نشینی خاص)، شاید پرخاش کلامی بکند (انواع خاص حرکت دست به همراه ناسزا) یا احتمالاً دست به حمله فیزیکی بزند (حالت و وضعیت بدنی حمله، حرکات دست). با این حال تمام این حالات بدنی می تواند برای کسی که ترسیده نیز رخ دهد. حرکات بدن نه تنها نشان دهنده چیره شدن فرد بر احساس خود است، بلکه می تواند نمایانگر رفتار شخص، سازگاری او با دیگران و غیره باشد. (اکمن و فریسن، ۱۳۹۸: ۱۵-۱۶). در سطور بالا

ذکر شد اکمن و فریسن فعالیت های غیرکلامی را به سه طریق تحلیل کردند؛

۱. منشأ: منبع هر عمل است. که خود به سه نوع تقسیم می شود: می تواند ذاتی (ساخته و پرداخته در سیستم عصبی)، ثابت گونه (رفتاری کلی یا جهانی و لازم برای بقا) یا متنوع در فرهنگ ها، گروه ها و افراد مختلف باشد.
۲. رمزگذاری: رابطه عمل با معنی آن است. به سه نوع قراردادی، تصویری و غریزی یا درونی تقسیم می شود. کاربرد نیز شامل نیز می گردد.
۳. کاربرد: میزان اطلاع رسانی رفتار غیرکلامی است. به سه دسته ارتباطی، تعاملی و اطلاعاتی تقسیم می شوند. (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

۳-۲-۱. چشم گفتار

چشم ها، بخش ویژه ای از چهره و منبع بسیار غنی از رموز غیرکلامی به شمار می روند. ارتباط چشمی در ادراک مراجع و روابط بین فردی بسیار مؤثر است. تماس چشمی یا عدم آن می تواند مطالب زیادی در مورد احساسات و درونیات فرد منتقل کند، برخورد یا عدم برخورد نگاه ها می تواند گویای علاقه و صمیمیت، دوستی، خجالت، بی ادبی و... باشد. (سوسمان و دیگران، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۱). چشم آینه تفکراتی است که در ذهن جریان دارد. بازتاب کلیه فرآیندهای ذهنی را می توان به طور مستقیم در چشم مشاهده نمود. تحقیقاتی که در حوزه اعصاب و روان شناسی انجام گردیده حاکی از آن است که چشم نسبت به تفکرات مختلف ذهنی از خود واکنش های متفاوت نشان می دهد. (ودایع، ۱۳۹۹: ۳۶). اطلاعات بینایی در هر تبادلی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا دستگاه بینایی مهم تر از دستگاه شنوایی است. چشم ها بدون برقراری ارتباط کلامی می توانند اطلاعات بسیار مهم و پیچیده ای در مورد احساس ما به دیگران منتقل کنند.

در این قسمت از پژوهش، به تحلیل نمونه هایی از زبان چشم در «نهج البلاغه» بر اساس نظریه اکمن و فریسن در حوزه های «منشأ، رمزگذاری و کاربرد» می پردازیم:

«والْحَطُّوا الْخَزْرَ» (خطبه ۶۶) ترجمه: با گوشه چشم به دشمن بنگرید.

پیام: در آموزش تاکتیک‌های نظامی، حضرت علی(ع) به مسلمانان می‌فرماید: با گوشه چشم بنگرید. این حرکت از چشم، یک نوع ارتباط غیرکلامی است که پیام مراقب بودن و تسلط بر اوضاع را به مخاطب القا می‌کند.

منشأ: منشأ این حرکت از چشم، آموزش فرهنگی است. در فرهنگ ما، هنگام نبرد این نگاه گوشه چشمی، یک نوع زبان بدن برای مراقبت از اوضاع است. شاید در فرهنگ‌های دیگر این حالت از نگاه بدین مفهوم نباشد.

رمزگذاری: رابطه عمل با معنی آن، قراردادی است.

کاربرد: کاربرد این طرز نگاه، اطلاعاتی است.

«غُضُّوا الْأَبْصَارَ» (خطبه/۱۲۴) ترجمه: چشم‌ها را فروخوابانید.

پیام: در تاکتیک‌های رزم انفرادی حضرت(ع)، زبان بدن، چشم را به کار می‌گیرد و پیام این حرکت، افزایش دلیری جنگاوران است.

منشأ: منشأ این حرکت از چشم، آموزش فرهنگی است.

رمزگذاری: رابطه عمل (فروخواباندن چشم) با معنی آن (دلیری)، قراردادی است.

کاربرد: کاربرد این نوع نگاه، برای مخاطب و خواننده از نوع اطلاعاتی است.

«لَكِنَّهُمْ حَلَيْتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ وَرَافَقَهُمْ زِبْرُجُهَا» (خطبه/۳)
«اما دنیا در دیده آنها زیبا نمود و زیور آن چشم‌هایشان را خیره کرد.»

پیام: خیره شدن و زل زدن به زیبایی‌های دنیا، نشانه شگفتی و فریب خوردن انسان‌های دنیاپرست است.

منشأ: منشأ خیره شدن به زیبایی‌ها، ذاتی است؛ انسان ذاتاً به سمت زیبایی کشانده می‌شود.

رمزگذاری: نوع رمزگذاری این ارتباط غیرکلامی، یعنی رابطه عمل نگاه کردن با معنی آن، غریزی و درونی است.

کاربرد: کاربرد آن ارتباطی - تعاملی است. زیور و زینت‌ها، بین خود و انسان ارتباط و تعامل برقرار می‌کنند.

۳-۲-۲. زبان گریه

گریه رفتاری است که معمولاً در مواجهه با احساس اندوه و گاهی از غلبه عواطفی دیگر چون شادی، ترس، اندوه و ناراحتی بروز می‌کند. «اشک‌ها الگوهای منحصر به فردی از ارتباط را دارا هستند. زبان‌شناسان فرهنگی، گریستن را نوعی سیستم فرازبان می‌دانند که آگاهانه یا به‌طور ناخودآگاه، در حمایت از انفعال کلامی بروز می‌کند.»

(کاتلر، ۱۳۸۰: ۴۸۰). آواگری‌های غیرکلامی، شامل اصواتی با فرکانس‌ها و شدت‌های مختلف هستند. بعضی از این اصوات مانند گفتار، معنی‌دار هستند و رمزگذاری و رمزبردای می‌شوند؛ درحالی‌که بعضی دیگر عواطف و نگرش‌های بین فردی را بیان کرده یا اطلاعاتی درباره فرستنده اصوات منتقل می‌کنند که شامل ناله‌ها، غرغرها، جیغ‌ها، نعره‌ها، گریه‌ها و... هستند. (کریمی، ۱۳۹۶: ۷۳).

گریه در نهج‌البلاغه پیام‌های غیر کلامی متفاوتی دارد که اینک زبان گریه را طبق رویکردهای اکمن و فریسن در حوزه‌های «منشأ، رمزگذاری و کاربرد» بررسی می‌کنیم؛

«وَلَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ، فَيَنْتَزِعُ حَجَلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُغَيْثَهَا، مَا تَمْتَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْحَامِ» (خطبه/۲۷) «به من خبر رسیده است که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلامی بوده وارد شده، و خلخال و دستبند و گردنبد و گوشواره‌های آنها را به غارت برده درحالی‌که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند.»

پیام: گریه زن مسلمان در کلام فوق، بیانگر اندوه و ناراحتی است. گریه ناشی از اندوه جایگزین پیام کلامی شده است.

منشأ: منشأ این حالت از گریه، ذاتی است. ذات انسان، در هنگام ناراحتی و اندوه، منشأ کنش گریستن است.

رمزگذاری: رابطه بین گریه کردن و پیام اندوه زن، کاملاً غریزی و درونی است؛ چرا که گریه کردن از لحاظ رمزگذاری، غریزی است؛ چون نشانه‌ای از احساس است؛

ولی قسمتی از خود احساس هم هست. (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

کاربرد: کاربرد گریه کردن در خطبه ذکر شده، اطلاعاتی است.

«أَرَأَقَ دُمُوعَهُمْ خَوْفُ الْمَحْشَرِ» (خطبه/۲۲) «ترس رستاخیز، اشک‌هایشان را جاری ساخته است».

پیام: گریستن در خطبه ذکر شده، نشانه و دلالت بر ترس دارد. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که این ترس همراه با علم و دانایی است و در واقع خوف و خشوع است نه جبن؛ بدین معنا که این خطبه در وصف پاکان جامعه بیان شده است که ترس از روز رستاخیز اشک آنها را جاری ساخته است.

منشأ: منشأ گریستن به‌طور کلی ذاتی است. رمزگذاری: گریستن انسان‌ها از لحاظ رمزگذاری نیز، غریزی و درونی است.

کاربرد: کاربرد گریستن معمولاً همیشه اطلاعاتی است که در اینجا نیز اطلاعاتی می‌باشد.

«أَطَالَ الْبُكَاءُ» (خطبه/۱۸۲) «امام (ع) زمانی طولانی گریست».

پیام: پیام گریستن امام(ع) در کلام فوق، دلتنگی زیاد برای یارانش است.

منشأ: منشأ گریستن امام (ع)، ذاتی است. رمزگذاری: رابطه گریستن و معنی آن یعنی دلتنگی، غریزی است.

کاربرد: کاربرد این حرکت برای مخاطب، اطلاعاتی است.

۳-۲-۳. زبان خنده

خنده از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط غیرکلامی است و خندیدن در موقعیت‌های گوناگون می‌تواند معانی متفاوت را القاء کند و به‌عنوان یکی از پیام‌های غیرکلامی چهره، مبین شاد بودن است. اولین مطالعات علمی درباره خنده در اوایل

قرن نوزده انجام شد. دانشمند فرانسوی، گیلام دوچن دوبلون از ابزار تشخیص الکتریکی برای تشخیص بین لبخند واقعی و سایر لبخندها استفاده کرد. (پیس، ۱۳۸۸: ۸۲). اکمن و فریسن متوجه شدند که افراد سیزده فرهنگ مختلف مورد بررسی، می‌توانند حالت‌ها یا احساسات غیرکلامی موارد زیر را به دقت از هم تشخیص دهند: شادی، تعجب، ترس، عصبانیت، غم و نفرت. فرهنگ‌هایی در سراسر دنیا وجود دارند که در آن‌ها افراد وقتی شاد هستند، می‌خندند و هنگام عصبانیت اخم می‌کنند. (کریمی، ۱۳۹۶: ۶۶).

تحلیل نمونه‌هایی از زبان خنده در «نهج البلاغه» بر اساس نظریه اکمن و فریسن در حوزه‌های «منشأ، رمزگذاری و کاربرد»:

«فَقَالَ لَهُ بَعْضُ صَحَابِهِ: لَقَدْ أُعْطِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِلْمَ الْغَيْبِ. فَضَحِكَ (ع) وَقَالَ لِلرَّجُلِ، وَكَانَ كَلْبِيًّا يَا أَخَا كَلْبٍ لَيْسَ هُوَ بِعِلْمٍ غَيْبٍ وَإِنَّمَا هُوَ تَعَلُّمٌ مِنْ ذِي عِلْمٍ» (خطبه/۱۲۸) «یکی از یاران امام به ایشان می‌گوید به شما علم غیب داده شده است. آن حضرت خندید و به آن مرد که از قبیله کلب بود چنین فرمود ای برادر کلبی این اخباری که اطلاع می‌دهم علم غیب نیست، علمی است که از دارنده علم غیب آموخته‌ام».

پیام: عدم تصدیق کلام طرف مقابل حضرت (ع)، پیام خنده امام (ع) می‌باشد.

منشأ: منشأ خندیدن در این فراز از خطبه نیز ذاتی است.

رمزگذاری: خنده واکنشی غریزی و درونی به سؤال طرف مقابل امام (ع) است.

کاربرد: کاربرد خندیدن، اطلاعاتی است. بدین مفهوم که امام (ع) با خندیدن در جواب سؤال مرد کلبی، می‌خواهد پیام عدم تصدیق به وی را بدهد و کلام وی را رد کند.

در قسمتی دیگر از نهج البلاغه آمده‌است: «يَتَعَلَّلُ بِالسُّرُورِ فِي سَاعَةِ حُرْنِهِ وَيَفْرَعُ إِلَى السَّلْوَةِ إِنْ مُصِيبَةٌ نَزَلَتْ بِهِ، ضَنْأً بِغَضَارَةِ عَيْشِهِ وَشَحَاحَةً بِلَهْوِهِ وَلَعِبِهِ بَيْنَمَا هُوَ يَضْحَكُ إِلَى الدُّنْيَا وَتَضْحَكُ الدُّنْيَا» (خطبه/۲۲۱) آنان که

می‌خواستند با شادی، غم‌ها را از دل بیرون کنند و به هنگام مصیبت با سرگرمی‌ها، صفای عیش خود را بر هم نزنند، دنیا به آنها و آنها به دنیا می‌خندیدند.

پیام: خندیدن انسان‌های سرگرم به دنیا، بیانگر غفلت‌زدگی و جهالت آنهاست.

منشأ: منشأ عمل خندیدن، ذاتی است.

رمزگذاری: رابطه خندیدن انسان‌های غفلت‌زده با معنی آن (جهالت)، غریزی و درونی است.

کاربرد: این نوع خندیدن متقابل دنیا و انسان غافل، یک نوع ارتباط و تعامل است.

۳-۳. دست گفتار

در زندگی روزمره شاید بارها به این نتیجه رسیده باشیم که بسیاری از آدم‌ها با دست‌های خود سخن می‌گویند؛ به این معنی که آنها با حرکت‌های مختلف اندام‌های بدن، پیام‌های گوناگونی را به مخاطبان القا کرده‌اند و از این طریق با آنان ارتباط مؤثری برقرار می‌کنند. حرکات اعضای بدن، که به آن زبان بدن نیز می‌گویند، شامل حرکاتی است که با سر، دست و پا انجام می‌شود. به نظر بعضی «هر حرکتی شبیه به کلمه‌ای در زبان است. غالباً یک کلمه مجزا بی‌معناست، تنها وقتی یک رشته کلمات در یک جمله کنار هم قرار می‌گیرند، پیامی آشکار می‌شود. در مطالعه حرکت اندام‌ها بر تعبیر و تفسیر حرکت‌های به هم پیوسته دست، پا، سر و... تأکید شده است؛ زیرا در برخی از حرکت‌ها و ژست‌ها چندین عضو با هم نقش دارند و مفهومی واحد را (به صورت خودآگاه و ناخودآگاه) منتقل می‌کنند.

(برسیج، ۱۳۸۲: ۷). «آنچه در ذهنتان بدان می‌اندیشید، به کمک حرکات سر و دست خود منعکس می‌سازید، در حقیقت ردّ خفیفی از معنای تلویحی آنچه کلماتتان گویای آن نیست، تجربه می‌کنید. حرکات دست شما می‌تواند منعکس‌کننده واقعیت باشد و شاید هم بتوانید آنچه را دیده و یا شنیده‌اید، در هوا ترسیم کنید، تا آن را به دیگران انتقال دهید». (کوئیلیام، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). به نظر می‌رسد که علم شناخت حرکات مانند خود زبان هم ذاتی باشد و هم از لحاظ فرهنگی مشخص به نظر می‌رسد که حرکت بدنی

مشخصی وجود داشته باشد که در همه فرهنگ‌ها یک معنی را انتقال دهند. پیام‌های حرکتی دیگری نیز وجود دارد که دارای معانی مخصوص برای فرهنگ‌های مخصوصی است؛ هر چند این حرکات در اغلب فرهنگ‌ها دیده می‌شوند. (توکلی، ۱۳۷۴: ۱۰۰).

تحلیل نمونه‌هایی از زبان دست در کتاب «نهج البلاغه» بر اساس نظریه اکمن و فریسن در حوزه‌های «منشأ، رمزگذاری و کاربرد»:

«أَشْرَتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ» (خطبه/۱۰۰) ترجمه: او را به انگشت به یکدیگر نشان می‌دهید.

پیام: حرکتی که با انگشت صورت گرفته توسط طرفداران پیغمبر رخ داده است که بیانگر مفهوم تأیید کردن پیغمبر به - عنوان رهبر و بر فرمان او گردن نهادن است.

منشأ: منشأ این حرکت دست، ثابت‌گونه است بدین معنا که رفتاری کلی و جهانی است. در همه جا هرگاه بخواهند رهبر انتخاب شده خود را به یکدیگر بشناسانند با انگشت به سمت او اشاره می‌کنند.

رمزگذاری: رویکرد رمزگذاری که رابطه عمل با معنی آن است، در این خطبه تصویری است چرا که برای اشاره به شخصی که درباره‌اش صحبت می‌کنند، انگشت دستشان را به سمت او می‌گیرند.

کاربرد: با اشاره کردن یاران پیغمبر به او، اطلاعاتی از همراه شدن آنها به مخاطب منتقل می‌شود.

«فَصَفَّقَ (عليه السلام) إِحْدَى يَدَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى» (خطبه/۱۲۱) ترجمه: دست بر روی دست کوبید.

پیام: پیام این حرکت دست، تأسف امام (ع) از پرسشی که درباره حکمیت از او کردند.

منشأ: منشأ «دست بر دست زدن» آموزش فرهنگی است در فرهنگ ما چنین از پیشینیان خود یاد گرفتیم که هرگاه دست بر دست زده شود نشانه تأسف و یا مصیبت و... است اما در فرهنگ‌های مختلف دیگر، این حرکت از دست به این مفهوم اطلاق نمی‌شود.

کاربرد: کاربرد این نوع رفتار از دست، نیز برای مخاطب خود اطلاعاتی است.

«وَلَقَدْ سَأَلَتْ نَفْسُهُ فِي كَفِّي فَأَمَرَتْهَا عَلَيَّ وَجْهِي»

(خطبه/۱۹۷) ترجمه: جان او در کف من روان شد و آن را بر چهره خویش کشیدم.

پیام: تماس دست با شخصی و کشیدن آن دست بر چهره خود، بیانگر تبرک جستن است.

منشأ: منشأ این حرکت از دست آموزش فرهنگی است. در فرهنگ ما مسلمانان برای تبرک جستن از بقعه‌های متبرک و اولیاء خداوند (در اینجا منظور پیغمبر) بعد از تماس با آنها، دست خود را به‌عنوان تبرک جستن بر چهره خویش می‌کشیم.

رمزگذاری: رابطه بین دست کشیدن به‌صورت و معنی تبرک جستن قراردادی است.

کاربرد: کاربرد آن ارتباطی و تعاملی است. حضرت علی (ع) با این حرکت با پیغمبر ارتباط و تعامل برقرار کرده است.

«لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدَا بِكُمُ عَضَّةٌ» (حکمت/۱۸۶) ترجمه:

آغاز کننده ستم در روز قیامت انگشت به دندان می‌گزد.

پیام: پیام حرکت انگشت به دندان گزیدن در حکمت ذکر شده، ندامت و پشیمانی است.

منشأ: منشأ این حرکت از دست، آموزش فرهنگی است. بدین معنا که فرهنگ‌های موجود در بین انسانها برای ابراز پشیمانی و ندامت حرکتی از خود بروز می‌دهند که مختص فرهنگ حاکم بر آنجاست.

رمزگذاری: رابطه عمل زبان دست ستمگر با معنی آن (ندامت)، قراردادی است.

کاربرد: کاربرد انگشت به دندان گزیدن، اطلاعاتی است در واقع این نشانه غیرکلامی از زبان بدن، مخاطب را از ندامت و پشیمانی خود مطلع می‌سازد.

رمزگذاری: رابطه بین زدن دستی بر دست دیگر و معنی آن یعنی تأسف خوردن، قراردادی است. هر عملی می‌تواند قراردادی باشد که هیچ معنایی در ذات آن نشانه وجود نداشته باشد.

کاربرد: کاربرد این دست بر دست زدن، اطلاعاتی است و مخاطب با دیدن چنین حرکتی می‌داند که اتفاقی رخ داده است و صاحب آن دست دچار ناراحتی و تأسف شده است.

«فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أُذُنِهِ وَعَيْنِهِ» (خطبه/۱۴۱)

ترجمه: امام (ع) انگشتان خود را میان چشم و گوش گذاشت.

پیام: انگشت گذاشتن مابین چشم و گوش دلالت بر تفکر و تأمل عمیق نسبت به موضوع خاص دارد.

منشأ: منشأ این حرکت ثابت‌گونه است بدین معنا که رفتاری کلی و جهانی است.

رمزگذاری: این حرکت به‌طور قراردادی مابین عمل و معنای آن شکل گرفته است.

کاربرد: مخاطب با دیدن چنین حرکتی در می‌یابد که آن شخص در حال تفکر و تأمل است در نتیجه این حرکت، اطلاعاتی است.

«ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَيَّ لِحَيْثِهِ الشَّرِيفَةُ الْكَرِيمَةُ» (خطبه/۱۸۲)

ترجمه: دست به ریش مبارکش گرفت.

پیام: کشیدن دست به محاسن در کلام فوق دلالت بر حسرت و نگرانی شدید امام (ع) دارد.

منشأ: منشأ این حرکت، آموزش‌های فرهنگی است. بدین معنا که در فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف نحوه ابراز حسرت و نگرانی مختص به فرهنگ همان جا رخ می‌دهد و شکل می‌گیرد.

رمزگذاری: رابطه بین دست کشیدن به محاسن و معنای آن، قراردادی است. در فرهنگ ما بنابر عرف همگی قبول داریم که این حرکت نشانگر حسرت و اندوه است.

﴿لِكُلِّ بَابٍ رَغْبَةٌ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ يَدٌ قَارِعَةٌ﴾ (خطبه/۲۲۲)

ترجمه: دست آنان به طرف درهای امیدواری خدا دراز است.

پیام: دست دراز کردن به سمت خدای تعالی بیانگر دعا کردن است.

منشأ: منشأ این حرکت، ثابت‌گونه است بدین معنا که عملی کلی و جهانی است. مسلمانان، مسیحیان و... به هنگام دعا کردن به سمت خدای تعالی دست‌ها را دراز می‌کنند.

رمزگذاری: رابطه عمل دست دراز کردن و مفهوم دعا کردن، قراردادی است.

کاربرد: کاربرد این حرکت، ارتباطی است به این معنا که شخصی که دستهای خود را به سمت خداوند تعالی دراز می‌کند، قصد ارتباط با او را دارد.

۳-۴. حالت‌های لامسه (تماسی)

نشانه‌های تماسی و لمسی که از آن به «علم اللمس» تعبیر می‌شود، یکی از انواع ارتباط غیرکلامی است. «علم اللمس یا علم التماس مطالعه پیام‌های لمسی و تماسی در ارتباطات غیرکلامی است». (بیدارمغز، ۱۹:۱۳۹۲). البته «میزان لمس کردن و هدف از لمس کردن به میزان زیادی در نتیجهٔ هنجارهای فرهنگی به وجود می‌آید و گونه‌هایی دارد مثل: دست دادن، نوازش کردن، در آغوش کشیدن و...». (ریچموند و مک کروسکی، ۲۹۹:۱۳۸۸). تأکید فراوان این نوع حالت، روی جسم است، زیرا «جسم مرکز جذب و کانون رمز است». (بوزکور، ۷۴:۲۰۱۶). احساسات افراد نسبت به روابطشان از طریق رفتارهای غیرکلامی آنان منتقل می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۴). در «نهج البلاغه» بر اساس نظریهٔ اکمن و فریسن در حوزهٔ «منشأ، رمزگذاری و کاربرد» این نوع از حرکت لامسه‌ای مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

﴿يُرَاوِحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَخُدُودِهِمْ﴾ (خطبه/۹۷) ترجمه: پیشانی و گونه‌هایشان را در پیشگاه خداوند بر خاک می‌سایند.

پیام: حرکت ساییدن پیشانی به خاک بیانگر تواضع و فروتنی اصحاب پیغمبر (ص) است.

منشأ: منشأ این حرکت نیز آموزش‌های فرهنگی است در فرهنگ مسلمانان این حرکت برای تواضع در پیشگاه خدای تعالی انجام می‌شود اما در گروه‌ها و فرهنگ‌های دیگر ممکن است حرکتی دیگر متداول باشد. همانگونه که زبان کلامی در فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت‌اند زبان غیرکلامی نیز ممکن است چنین باشد. درحالی‌که یک حالت یا حرکت ممکن است در یک فرهنگ خاص متداول بوده و تفسیر روشنی داشته باشد، ممکن است در فرهنگ دیگر بی‌معنی بوده یا معنی کاملاً متضادی داشته باشد.

رمزگذاری: رابطهٔ گونه و پیشانی به خاک مالیدن و مفهوم تواضع، قراردادی است.

کاربرد: کاربرد این حرکت ارتباطی است ارتباطی بین بنده و خالق.

﴿يَضُمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ، يُمَسِّئِي جَسَدَهُ﴾ (خطبه/۱۹۲) ترجمه:

مرا در آغوش خود می‌گرفت و بدنش را به بدن من

می‌چسباند. «إِنَّ رَأْسَهُ لَعَلَى صَدْرِي» (خطبه/۱۹۷) ترجمه:

در حالیکه سرش بر روی سینهٔ من بود.

پیام: پیام حرکات فوق (در آغوش کشیدن، لمس کردن و سر بر سینهٔ کسی نهادن) دلالت بر ابراز محبت و دوستی دارد.

منشأ: منشأ این حرکات نیز می‌تواند ثابت‌گونه باشد یعنی رفتاری کلی و جهانی باشد.

رمزگذاری: قراردادی بین در آغوش کشیدن و ابراز محبت وجود دارد که منجر به خلق این نوع از ارتباط غیرکلامی می‌شود.

کاربرد: کاربرد همهٔ حرکات ذکر شده در خطبه‌های فوق، ارتباطی-تعاملی هستند.

تفاوت‌های فرهنگی زبان بدن در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد کدام یک از جنبه‌های پیام‌رسانی غیرکلامی همگنی، احتمالاً غریزی هستند. آنجا که اختلاف فرهنگی در میان است نشان می‌دهد تفاوت‌های پیام‌رسانی از کجا نشأت می‌گیرند. به‌علاوه طیف اشکال جانشین پیام‌رسانی غیرکلامی اقتباس شده از جانب فرهنگ‌های مختلف را نیز بر ما نمایان می‌سازد. که از اهمیت کاربرد زیادی برخوردار است؛ زیرا اختلافات فرهنگی در پیام‌رسانی غیرکلامی منبع عمده اصطکاک‌ها، سوءتفاهم‌ها و رنجش‌ها

بین گروه‌های فرهنگی و ملی است. همه فرهنگ‌ها دارای شیوه‌های غیرکلامی متمایزی برای خود هستند. (کریمی، ۱۳۹۶: ۴۹). طیف حالت‌های بدنی پایدار در انسان بسیار گسترده است. طبق برآورد انسان‌شناس مشهور، هیوز (۱۹۵۷م) که حالت‌های بدنی در فرهنگ‌های مختلف انسانی را مورد مطالعه قرار داده است، تقریباً هزار نوع از این حالت‌ها وجود دارد. حالت بدنی می‌تواند کانون قواعد اجتماعی معین و مشخص باشد. (کریمی: ۱۳۹۶، ۵۹).

نتیجه‌گیری

حضرت علی (ع) در کتاب نهج‌البلاغه از انواع زبان بدن اعم از؛ زبان چهره، زبان دست و زبان حالت‌های لامسه‌ای بهره برده است. با تفسیر نمودن انواع زبان بدن از کتاب نهج‌البلاغه با نظریه «پل اکمن و والس فریسن» به خوبی در می‌یابیم که کلام حضرت (ع) چنان ظرفیت و گنجایشی دارد که می‌توان با نظریه‌های نوین ارتباطات غیرکلامی تحلیل و بررسی نمود.

طبق نظریه اکمن و فریسن، با بررسی مواردی از زبان بدن موجود در کلام گهربار حضرت علی (ع) با تحلیل محتوا و با استفاده از گزینه‌های اشاره شده در مقاله به نتایجی از این قرار دست یافتیم:

۱. رفتارهای چهره در نهج‌البلاغه مانند «گریه و خنده» منتقل‌دهنده مفاهیمی چون؛ غم و اندوه، غفلت‌زدگی و... می‌باشد و بر اساس نظریه اکمن و فریسن، منشأ بیشتر این حالت از چهره، ذاتی و ساخته و پرداخته سیستم عصبی است. رمزگذاری آنها، غریزی و درونی است و کاربرد آنها بیشتر اطلاعاتی است.

۲. با تحلیل زبان چشم که یکی دیگر از نمودهای زبان چهره است مانند «با گوشه چشم نگرستن، فروخواباندن چشم و...» مفاهیمی چون مراقبت و تسلط بر اوضاع، بی‌اعتنایی و... را به مخاطب القا می‌کند. و طبق رویکردهای «منشأ، رمزگذاری و کاربرد»، منشأ بیشتر زبان چشم در خطبه‌ها، آموزش‌های فرهنگی است که به صورت قراردادی

رمزگذاری شده‌اند و از لحاظ کاربرد بیشتر اطلاعاتی هستند.

۳. زبان دست موجود در نهج‌البلاغه دلالت بر مفاهیمی چون تأسف خوردن، تفکر و تأمل، حسرت و... دارد. منشأ بیشتر این حرکات ثابت‌گونه (حرکتی کلی و جهانی) و ناشی از آموزش‌های فرهنگی است. و به ندرت با حرکت دستی برخورد می‌کنیم که ذاتی باشد. در رویکرد رمزگذاری اکثراً قراردادی هستند بدین مفهوم که گاهی برای انتقال معنا از یک‌سری علائم و نشانه‌های قراردادی که متناسب با شرایط و موقعیت فرهنگی و ملیتی است استفاده می‌کنیم و به نوعی خود ما تعیین‌کننده آنها هستیم. رویکرد کاربرد زبان دست در این پژوهش، بیشتر اطلاعاتی است. هرچند مواردی نیز کاربرد ارتباطی و یا تعاملی دارند.

۴. در تحلیل حرکات لامسه‌ای مفاهیمی چون ابراز محبت و دوستی، تواضع و فروتنی، به مخاطب داده می‌شود. که منشأ این حرکات بیشتر آموزش‌های فرهنگی است و مختص فرهنگ خاصی (جامعه مسلمانان) هستند. چرا که برخی حرکات و اشارات بدنی و حرکات زبان بدن، در یک گروه مورد توافق قرار می‌گیرند و در فرهنگ یک جامعه استفاده می‌شوند که معنای خاص و محدود به آن فرهنگ یا گروه هستند و مردم به طور آگاهانه آنها را به کار می‌گیرند. حرکات لامسه‌ای در حوزه کاربرد بیشتر ارتباطی و تعاملی هستند بدین معنا که عمداً برای انتقال معنی به کار می‌روند. کنش اگر عمدی و تأثیرگذار باشد هم ارتباطی و هم تعاملی است.

منابع و مأخذ

- نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۷). چاپ اول. قم: موسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
- اکمن، پل و فریسن، والس (۱۳۹۸). رمزگشایی از چهره. ترجمه: نیما عربشاهی. چاپ دوم. قم: بیان روشن.

- الشيخ صالح الخطيب، محمد شريف (٢٠٠٦)، لغة الجسم في السنة النبوية، المشرف: الاستاذ الدكتور شرف القضاء، كلية الدراسات العليا في الجامعة الأردنية.

- بريسج، جوزف. (١٣٨٢). *زيان تن*. ترجمه باقر ثنائي و فرهاد بهاري، چاپ اول، تهران: بعثت.

- بوزكور، مراد. (٢٠١٦). «*انساق لغة الجسد: قراءة سيميائية في شعر كعب بن زهير*». مجلة الن (١)، العدد ٢٠.

- بيدارمغز، علي محمد. (١٣٩٢). *ارتباط غيركلامي، تهران: کارگزاری روابط عمومی*.

- پهلوان نژاد، محمدرضا. (١٣٨٦). *ارتباطات غيركلامي و نشانه‌شناسی حرکات بدن. زبان و زبان‌شناسی*. سال سوم، شماره ٢، ١٣-٣٠.

- پیز، آلن. (١٣٩٦). *زبان بدن (چگونه افکار دیگران را از طریق ژست‌های آنها بخوانیم)*. ترجمه: مریم رضایی. قم: ملینا.

- پیس، آلن و باربارا پیس. (١٣٨٨). *کتاب جامع ارتباطات غيركلامي (زبان بدن)*. ترجمه فریبرز باغبان، چاپ دوم، تهران: فریبرز باغبان.

- توکلی، علی (١٣٧٤)، *نشانه‌شناسی و ارتباط غیرزبانی، استاد راهنما: نادر جهانگیری، مشهد: دانشگاه فردوسی*.

- جمیل عبد الغنی، أسامة (٢٠١٠)، *لغة الجسد فی القرآن الکریم*، اشرف. د. عودة عبدالله، كلية الدراسات العليا في جامعة النجاح الوطنية في نابلس، فلسطين.

- حاجتی، سمیه و رضی، احمد (١٣٩٠)، *رمزگشایی از رفتارهای غيركلامي در روی ماه خداوند را ببوس، زبان و زبان‌شناسی، شماره ٦، دوره سوم*.

- خواجوی، مهوش و طهماسبی، فرهاد (١٣٩٣). *بررسی نشانه‌شناختی شعر (مسافر) سپهری بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا؛ الگوی ریفاتر و یاکوبسن*. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی. دوره ٤- شماره ٢. صص ٢١٥-٢٤٢.

- رشیدی، ناصر و پرویز، مریم (١٣٩٩). *مشارکت در کلاسه‌های زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی رابطه بین رفتارهای غيركلامي و پاسخ‌های غيركلامي فراگیران*. پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی، دوره ١٠- شماره ٤. صص ٧٥٢-٧٧٥.

- ریچموند، ویرجینیایی و جیمزسی، مک کروسکی. (١٣٨٨). *رفتارهای غيركلامي در روابط میان فردی* (درسنامه ارتباطات غيركلامي). ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، زیر نظر غلامرضا آذری، چاپ دوم، تهران: دانژه.

- سوسمان، لایل و سام دیپ. (١٣٧٦). *تجربه ارتباطات در روابط انسانی*. ترجمه حبیب الله دعایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

- شکر بیگی، نرگس و دارابی، فرشته (١٣٩٢)، *نوع‌شناسی مؤلفه‌های ارتباط غيركلامي در قرآن کریم، دین و ارتباطات، شماره ١ (پیاپی ٤٣)*.

- عبد علی، مهسا (١٣٩٧)، *بررسی زبان بدن در نهج البلاغه، استاد مشاور: روح الله صیادی، دانشگاه کاشان*.

- فرهنگی، علی اکبر. (١٣٧٣). *ارتباطات انسانی*. ج ١، چاپ اول، تهران: تایمز.

- کاتلر، جفری. (١٣٨٠). *زبان اشک‌ها (نگاهی روانشناختی به گریستن)*. ترجمه طاهره جواهرساز، چاپ اول، تهران: جوانه رشد.

- کریمی، رامین. (١٣٩٦). *زبان بدن (ارتباط غيركلامي)*. چاپ هشتم. تهران: شلاک.

- کریمی، نصرت. (١٣٨٧). *برون و درون*. چاپ اول، تهران: مرکب سپید.

- کوئیلیام، سوزان. (١٣٩٨). *اسرار زبان بدن*. ترجمه ثریا شریفی. چاپ پنجم. تهران: نسل نو اندیش.

- گیرو، پی‌یر. (١٣٨٣). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.

- لیتل جان، استیفن. (١٣٨٤). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میر حسنی، چاپ اول، تهران: جنگل.

- محققیان، زهرا و پرچمی، اعظم (١٣٩٤)، *نشانه‌شناسی ارتباطات غيركلامي در آیات قرآن کریم، تحقیقات علوم قرآنی و حدیث، شماره ٤ (پیاپی ٢٨)*.

- میرزایی الحسینی، محمود و فتاحی، زینب (١٣٩٥)، *بررسی بافت‌مدارانه دلالت ضمنی اندام واژه‌ها در نهج البلاغه، ناشر: طلعه سبز*.

- نیب‌لو، علیرضا. (۱۳۹۰). کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما. پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی. دوره ۱- شماره ۲. صص ۸۱-۹۴.

- هارجی، اون و ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید. (۱۳۷۷). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، چاپ اول، تهران: رشد.

- ودایع، پویا. (۱۳۹۹). *مهندسی زبان بدن*. چاپ پنجم. تهران: نسل نو اندیش.

Ekman.P.and Wallace Friesen,w.(1972). *Hand Movements, Jurnal of Communication 22: 353.*

Goldin. Meadow, s. (1999). *The role of gesture in communication and thinking Trends in cognitive Sciences, 3, 419- 429*

Hudson, N. (2011). *Teacher gesture in a post- secondary English as a second language classroom: A sociocultural approach UNLV Theses. Dissertations. professional papers, and capstones 1044.*